

اکثریت

نشریه مواد ایران سازمان ملل متحد ایران (تأسیس ۱۳۶۳) (دو خارج از کشور)

جمعه ۲ شهریور ۱۳۶۳ برابر ۲۴ اوت ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲۱

مروری بر تحولات کابینه موسوی

بالاخره مبارزه ای که از مدتها قبل بر سر باز تقسیم مناصب در هیأت دولت آغاز شده بود، علی الظاهر به پایان رسید و در این هفته برای سه وزارتخانه از پنج وزارتخانه ای که وزیرانشان توسط مجلس معزول شدند با شتابزدگی، وزیرای تازه ای گمارده شدند. در تبلیغات رسمی، فعل و انفعالات اخیر را نشانه ای از قدرت دولت و حاکمیت جمهوری اسلامی و انمود می کنند و نتیجه می گیرند که بدنبال تأیید و تثبیت نخست وزیران موسوی مقام رهبری و اکثریت مجلس یکپارچگی حکومت تأمین شده است. اما آیا برآستی نتیجه رویدادهای اخیر تحکیم و تثبیت دولت بوده و غائله ختم شده است، یا گلی بود که بر شکاف دیوار کشیده شد؟

دولت موسوی برای اینکه به عدم تجانس خود واقف شود به زمان بسیاری نیاز نداشت. کشاکشی که حتی پیش از آغاز کار ایسن دولت در همان میانه سال ۶۰ بر سر تعیین سهام شرکا در کابینه، در گرفته بود به اندازه کافی گویا بود. ترکیب کابینه ای که بالاخره آغاز به کار کرد، نه نتیجه حل اختلافات کناشی از پیش آن به منظور حفظ "کیان جمهوری اسلامی" بود. ترکیب کابینه و ناهمخوانی وزرا عملاً هیأت دولت را به یک مجمع قوای ملی تبدیل کرده بود که هر یک در محصوره خود مطلق العنان بودند. توازن شکننده قدرت، جناحین را وادار ساخت که به این وضعیت تمکین کنند. نخست و زهرم پذیرفت که اصول قانونی مربوط به مسئولیت مشترک وزرا و نقش و مسئولیت

گرامی باد یاد ارنست قلمان،
سمبل شجاعت و وفاداری
به آرمان طبقه کارگر!

در صفحه ۱۰

به موازات تشدید بحران عمومی حاکمیت، کشمکش هابر سر حزب جمهوری اسلامی و در درون آن، اوج میگیرد

سودرستان قدرت طلب، آخوند های مرتجع ریز و درشت، چاق کش ها و شعبان بی مخ های اسلام پناه است. بسیاری از تصمیم گیری ها، در دفترهای این حزب صورت می گیرد. کسم در شهرستانها و مراکز استانها در واقع حکم فرمانداری و استانداری را دارند. انتصابات مقامات در نقاط مختلف کشور با تأیید حزب فراگیر صورت می گیرد و گاه حتی توزیع ارزاق و مایحتاج عمومی نیز از کانال آن، انجام می پذیرد.

حزب جمهوری اسلامی پای ثابت همه چاق کشیها، معرکه گیریها، رقابتها و عواضات

بقیه در صفحه ۴

حزب جمهوری اسلامی، حزب حاکم است و لاجرم از بحران عمومی حاکمیت در امان نیست. این حزب که بنیانگذاران و سردمداران بیشترین مسئولیت را در شکست انقلاب دارند و باندهای سیاهش، بیشترین نقش را در برقرار ساختن جو سرکوب و اختناق در جامعه، ایفا کرده اند، اکنون دچار همان تشنگی است که سر تا پای رژیم را در بر گرفته است.

حزب جمهوری اسلامی، یک حزب آبرو باخته است. دفترهای این حزب در شهرهای مختلف پاتوق بازاریان و زمینداران متشرع، تازه به دوران رسیده ها، نان به نرخ روز خور ها،

مردم یکبار دیگر در جریان انتخابات بی اعتمادی و انزجار خود را نسبت به رژیم عیان ساختند

در صفحه ۵

زیر هزار تیغه خنجر

در صفحه ۶

"طرح ارزشیابی کارکنان دولت"

سرپوشی بر روی اختناق و اخراج گسترده کارمندان

در بیکران سازمان امور اداری و استخدامی کشور "انگیزه قوی" برای اجرای این طرح راجعاً ساختن صف افراد "مکتبی" از "غیر مکتبی" می داند و می گوید: "اگرچه ای ارتکارکنان دولت، مناسب خدمت تشخیص داده نشوند و مناسب با اهداف انقلاب و مردم (۱) خدمت نکنند بدون شک به نحو مقتضی عذرشان از دستگاههای دولتی خواسته خواهد شد" (کیهان - ۴ مرداد)

آنچه که از اظهارات مسئولین امر در مورد "طرح ارزشیابی کارکنان دولت" برمی آید، بیشتر از همه، پرونده سازی برای کارمندان برپایه خطوط فکری و اعتقادی آنهاست و این پرونده ها "مبنای ارزش گذاری برای انتصابات، حقوق، مزایا و تشویقات مادی و معنوی و..."

بقیه در صفحه ۵

رژیم ج.ا.، بطوریکه از اظهارات مسئولین امر برمی آید، در صدد است اختناق سازمان یافته و سرکوبگر خود را که گویا احساس می کند، تا حال به حل و حل لازم و کافی نبوده است، در تمام سطوح ادارات و موسسات دولتی گسترش دهد. انگار "دو ایر حراست" که با همسان وظایف و عملکرد "دو ایر حفاظت" شاه معدوم از طرف رژیم در نهادهای دولتی بود - وجود آمده اند، هنوز نتوانسته اند "جو حاکم" را به نفع ارتجاع حاکم کاملاً تغییر دهند.

هسته مرکزی سیاست رژیم در ارتبطات با اصطلاح انقلاب اداری، در این گفته موسوی اردبیلی خطاب به هیاتهای گزینش و وزارتخانه ها و سازمانها تبلور می یابد که می گوید: "ما می خواهیم ارزشهای اسلامی را در کشور پیاده کنیم و جو حاکم را به دست خود داشته باشیم."

ابراز همبستگی با زنان ایران، عراق و ترکیه در نشست "مجمع جهانی زنان برای صلح و آزادی"

در صفحه ۳

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

مروری بر تحولات کابینه موسوی

بقیه از صفحه اول
نخست وزیر زیرپا گذاشته شود. البته این نه اولین و نه آخرین بار بود که اصول قانون اساسی نادیده گرفته می شد.

این وضعیت خیلی زود دولت را به چاند باند جداگانه تقسیم کرد که هر یک از این باندها به یک جناح قدرتمند بیرون کابینه و درون و بیرون حکومت متصل می شدند. عملکرد هر باند و هر وزیر بر نه بر اساس تصمیمات و تصویبات مشترک هیأت وزیران (که ندرتا وجود داشت) بلکه بر اساس مصالح و نظرات جناحهای حکومتی پیش می رفت. تصادم نمی توانست صورت بگیرد. هیچ کس توافق آغازین را جدی نمی گرفت و پایدار تصور نمی کرد. آنرا فقط تاییدی بر توازن قوای موجود می دانستند که می بایست به زیان طرف مقابل درهم شکسته شود. کلنجار میان وزرا در این راستا پیش می رفت. اختلافات جناحین حکومتی با گذر از زمنشور کابینه باردیگر در حکومت و در جامعه بازتاب می یافت.

تعدد مراکز تصمیم گیری و اجرایی در رژیم جمهوری اسلامی پیش از کابینه موسوی نیز، حوزه عملکرد و ولت را بسیار تنگ کرده بود. برخلاف قانون، هیچگاه دولت عملاً بر همه امور رکشور و حتی بر اساسی ترین امور آن سلطه نداشت. مهم ترین جنبه های امور نظامی، نظامی، قضایی و ... از حیث کار و ولت منفک شده بود. بی آنکه برای غالب آنها مرز روشنی ترسیم شده باشد. دولت موسوی باید یرشایین وضعیت سرکار آمده بود و به سهم خود دبر آن دامن زد.

باید یرش عملی و اجباری حقوق کائالهای فشار بیرونی رسا را کائالهایی ساخته شدن کده ایجاد آنها به معنی قیچی شدن هر چه بیشتر پروبال دولت بود. حوزه علمیه قم دیگره ارایه خطوط کلی اکتفا نمی کرد، بلکه مستقیماً در امور اجرایی دخالت می نمود و انتظار داشت که برای این دخالت، مبنای قانونی ساخته شود. سهم شورای نگهبان تنها این نبود که مصوب نهایی قوانین و مفسر آنها باشد. هر گام اجرایی با نحوه معین تفسیر این شورا تصادم می کرد. برنامه ریزی برای اقتصاد کشور از لای سر وزارتخانه ها و سازمانهای مربوطه، در اختیار شورای عالی اقتصاد قرار گرفت که نمایندگان حوزه در آن حق و تو بهم زده بودند. شورای عالی قضایی صاف و پوست کنده اعلام می کرد که نه به مجلس و نه به دولت هیچگونه پاسخی نخواهد داد. سهم دولت در امور نظامی و جنگ ایمن بود که مجری گوش به فرمان فرامین شورای عالی دفاع باشد. وضعیت آموزش عالی راستیاد انقلاب فرهنگی قبضه کرد و ... در چنین جنگلی جای دولت کجا و کار و ولت چه می توانست باشد؟ کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دولتی

با این همه محدودیت و اختلاف انتظار داشتند با قدرت و شتاب به تدفین دستاوردهای انقلاب بپردازند. پایه پای افزایش قدرت آنان در حاکمیت، فشار بر دولت نیز افزایش می یافت تا هر چه بیشتر زود تر تکلیف خود را بپردازند. تصمیمات و مصوبه های یکسره کننده پیش تر از این بانبرو و به سود مردم در دستور قرار گرفته بود. اما در برخی ازوزرا و بالنتیجه مجموعه کابینه با دور لخواه "حوزه" و بازار "هما هنگ نبود. می بایست با شلاق شرع به پیش، و اگر نشد به بیرون رانده می شدند. اما انجام آن بر زمینه اختلافات تند جناحهای حکومتی کار آسانی نبود. قبضه انحصاری حاکمیت توسط دشمنان انقلاب، برای حل اختلافات کافی نبود. توافق عمومی و نسبی در روش و مشی حاکمیت، برای ایجاد توافق در عمل، هنوز ناکافی بود. منافس و دلبستگی های متفاوت جناحهای حکومتی به گونه ای بوده که اعمال یک نظرمثقف را بغایت دشواری کرد و جدا از هر چیز صدای غرش بهمن انقلاب همچنان بر زسالها تابان حصد توفنده بود که کران و کوران عرصه سیاست را هم به هراس می انداخت. کار سازای شتابان نظام دلخواه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان کار آسانی نبود که از ولت انتظار می رفت. دولت ناتوان و سرگشته شد و ترمز کرد.

سختان پرهیاهوی موسوی در پایان سال ۶۱ در حقیقت بیان بن بست بود. موسوی در آن مصاحبه شکایت داشت که نمی داند چه باید بکند. اومی دانست که از آنچه می خواهند و اعتراف داشت آنچه که از او می خواهند لغو و انکار مصوبات و قوانینی است که خوشایند دشمنان مردم نیست. اما می خواست به ابلاغ شود که این کار چگونه باید پیش برود. موسوی علیرغم بزرگ سخنانش فهمانده که برای این کار و هر خنثی آماده است. ولی پیشانی به خاک ساییدن موسوی برای جلب رضایت مخالفین کافی نبود. از یرسید ولت تنها انتظار می رفت که بمشایک بوروکرات، بلکه قربان گو و مجری تصمیمات باشد، بلکه باید خود بتواند در بار بست که چگونه باید پیش برود. از این رو فشار بر دولت و همپای آن هر چه و مریخ درون کابینه ادامه یافت. مجمع ملوک طوایف درست و حسابی به صحنه زد و خورد آنها بدل شد. حتی گفته می شده که در اجلاسهای کابینه وزرا باید یکدیگر دست به یقه می شوند. در شرایطی که مشکلات جامعه دم افزون بود، این وضعیت برای حکومت گران ممکن نبود. در ده های بالایی و میانی وزرا تاخته ها و ادارات به طنز نخست وزیر شاه سلطان حسین می نامیدند.

در جستجوی طریقی و مهلتی برای گریز از این قضیحت، ارگانهای قدرتمند بیرون دولت و درون حکومت پس از هماهنگی با کلان مالکان دولتی

تابستان ۶۲ (هریک به نیتی) پذیرفتند رؤس داغ نقاط تصادم کابینه را بیرون بکشند. به این ترتیب عذر عسکرا ولادی و توکل، سلامتی و کتبادی خواسته شد. اما نتیجه خلاف انتظار بود. دزدان چاه نکنده و منارد زده بودند. خلا معزولین. چگونه می بایست پرسود؟ حتی لحظه ای هم میان پایان دعوا و آغاز دوباره آن فاصله نیفتاد. جنگ چنان مغلو به شد که حتی میانجی ها را هم به کام خود کشید. کسب توافق برای پرکردن مناصب خالی کابینه ناممکن شد. از آن پس دیگر هیچگاه خلا کابینه پر نشد.

از همان زمان که مدافعین بی قید و شرط طریق سرمایه داری قدر حاکمیت را قبضه کردند دیگر راه حل معضلات جامعه به کلی مسدود گردید. بر همه آن معضلاتی که حل نشده برجای مانده بود، معضلات و مشکلات تازه تری افزوده می شد. عجز و ولت در ریشبرد امور، دیگر فقط به اختلافات جناحین درون آن و درون حکومت مربوط نمی شد. بن بست به خاطر راهی بود که در پیش گرفته شده بود. جمهوری اسلامی درست بن بست را نشانه گرفت. نتیجه ناگزیر، انباشت مدام مسایل بر روی یکدیگر بود. دولت در زیر کوهی از مشکلات ناله کان. دست و پا می زد.

استیصال دولت مخالفین قدرتمند را به تهاجم تشویق می کرد. برای مدافعین سرمایه داری بی قید و شرط، کافی نبود که دولت مدافع بی قید و شرط سرمایه داری باشد. می خواستند ارکان قدرت را زجمله دولت در انحصار برگزیدگان، معتمدین و تربیت شدگان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان قرار گیرند. "اسلام فقهاتی" "فقیه الوزرا" را می خواهد. از این رو در همان سال ۶۲ بویژه نیمه دوم آن فشار منحصر حول عزل موسوی و گزینش عسکرا ولادی و یا کس دیگری از طراز او متمرکز شد. جناح مدعی باند از مدانه های تسیب کاندیدی ویدارت را اختیار داشت، عسکرا ولادی، ولایتی، کنی، پیر و ... اما جناح مقابل در صورت سقوط موسوی برای معرفی جانشین دست تنگ بود. به این خاطر با سماجت مقاومت می کرد، بویژه اینکه در شرایطی که تنها چند ماه به عمر مجلس باقی مانده بود، موسوی اعلام آشکار بن بست و بحران حکومت محسوب می شد. لذا برای دفع فشار، ولی فقیه به میدان آورده شد و به کمک فتوای او مخالفین عقب رانده شدند. ظاهر اد ولت موسوی مستحکم شد، اما در حقیقت فقط باقی ماند.

شروع کار مجلس دوم و اینکه قانون اساسی پیش بینی وضعیت دولت پرازیایان را کرده و مجلس را نکرده بود و سیله ای شد برای جناح حامیان و طرفداران موسوی که با اخذ رای اعتماد از مجلس با تکیه بر فتوای ولی فقیه، موسوی را در مقام خود تثبیت کنند. اصرار بر حمایت از موسوی از آنجاشی می شود که می دانند صد ارت عظمایی امثال فقیه الوزرا، که دفاع صاف و پوست کنده از تجار بزرگ و کلان سرمایه داران را در برنامه

ابراز همبستگی با زنان ایران، عراق و ترکیه در نشست "مجمع جهانی زنان برای صلح و آزادی"

خودنپیگرد و دستگیری و شکنجه فعالین ایمن تشکیلات را افشانمود و بر ضرورت حمایت گسترده بین المللی از آنان بویژه از سوی سازمانهای دموکراتیک زنان همه کشورهای جهان، تاکید کرد.

آخرین سخنران جلسه، نماینده کمیته همبستگی برای احقاق حقوق زنان در ترکیه بود که در مورد رژیم فاشیستی ترکیه و دستگیری، شکنجه و اعدام مبارزین از جمله انقلابیون زن از جانب این رژیم توضیحاتی داد. موقعیت کنونی زنان در ترکیه و سازمانهای مترقی مدافع آنها و نیز تحلیل اوضاع منطقه که عرصه ماجراجوییهای آمریکا و ناتو است و در آن خطر جنگ هرآن برجستهتر می شود، بخشهای دیگری از سخنرانی نماینده زنان ترکیه بود.

در پایان جلسه، بعد از یک سری مباحثات و تبادل نظر، قطعنامه ای صادر شد که در آن تضييقات اجتماعی و سیاسی مختلفی که به زنان کشورهای ترکیه، ایران و عراق تحمیل می شود، محکوم شده است. در این قطعنامه بر ضرورت آزادی فعالین سازمانهای دموکراتیک زنان ایمن کشورهای تاکید شده و این درخواست مطرح گردیده که به گروهی از پزشکان و خبرنگاران زن اجازه داده شود که از زندانهای این سه کشور بازدید به عمل آورند.

در ادامه نشست از (W.I.L.P.F) خواسته شد که یک نامه اعتراضی در رابطه با زندانیان سیاسی و لگدکوب گشتن حقوق دموکراتیک در ایران، عراق و ترکیه تهیه شده و به سفارتخانه های این سه کشور داده شود. این درخواست مورد موافقت واقع گردید.

در تاریخ سوم ماه ژوئیه سال جاری میلادی، "مجمع جهانی زنان برای صلح و آزادی" (W.I.L.P.F) در بریتانیا نشست ویژه ای داشت که دستور کار آن بررسی وضع زنان در کشورهای ایران، ترکیه و عراق بود. در ابتدای جلسه نماینده این مجمع در مورد سفر خود به ترکیه گزارش داد و خاطرنشان ساخت که درخواست تاسیس شعبه (W.I.L.P.F) در ترکیه، با مخالفت رژیم حاکم بر این کشور، مواجه گشته است. بنابراین گفته این سخنران، هیات نمایندگی مجمع در ترکیه، در طول اقامت خود در این کشور، اطلاعاتی در مورد وضع زنان ترکیه و همچنین منطقه به دست آورده اند که بر وجود تضييقات اجتماعی و سیاسی مختلف در رابطه با آنان دلالت می کند و از همین رو گرد همایی سازمانهای زنان سه کشور ایران، عراق و ترکیه را ضروری تشخیص داده اند.

یکی دیگر از سخنرانان این نشست نماینده انجمن زنان عراق در بریتانیا بود که دربار اوضاع عراق و فشار جنگ بر روی مردم این کشور و مشکلات زنان عراقی، صحبت کرد.

سخنرانی بعدی، به وضعیت و خامت بار زنان در جمهوری اسلامی ایران اختصاص داشت. در این سخنرانی که از سوی نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ادا شد، ابتدا شمه ای از تاریخچه این تشکیلات و موقعیت فعلی آن بیان گردید و سپس به تضييقات هولناکی که جمهوری اسلامی در حق زنان ایرانی روا می دارد پرداخته شد. نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در صحبت های

دارند، عواقبی جدی در پی خواهد داشت. رفسنجانی نگران است که در چنین صورتی مردم "قلم پای ما را خرد خواهند کرد". برای چیدن نمایندگان سرشناس سرمایه وستم در کنار یکدیگر در هیات دولت، باید تاوان سنگینی پرداخت. شعارش آرای انتخابات فرمایشی نیز به کسانیکه حتی اندکی از حساب وجه و تفریق رامی دانستند می آموخت که "باچه مردم ششپاری رو برو هستند". نفرت از سرمایه داری بزرگ و مدافعین آنها در دل مردم جاگیر شده است. اصلا مصلحت نبود که چنین ریسکی کرده شود. وضع موجودی بایست ادامه می یافت، اما در شرایط متعارف معرفی موسوی به مجلس و سقوط رادری داشت. در نتیجه یکبار دیگر از فتوای مقام رهبری بهره گرفته شد و اعلام داشت که موسوی باید بماند.

فتوای رهبر پیشتر، جهان مطاع بود اما این بار اگرچه به ترتیب کار خود را پیش برد اما نتوانست مخالفین را به کلی خاموش سازد. مدعیان موسوی در یکبارگیری حربه شرع از مخالفین خود کارآمدتر و ذیصلاح تر بودند. به این ترتیب در مقابل حربه شرع، مدافعین موسوی به ناچار حربه قانون را برگرفتند، حربه ای که در دستشان بند نمی شد، اصلا تجربه این کار را نداشتند.

بهر جان کنی که بود دولت موسوی ماند اگرچه این بار هم از زمین و یسار تراشیده شد. از ۲۶ وزیر معرفی شده، پنج تن معزول شدند، وزرای مشا و وضعیتی پادروها پیدا کردند و سه وزیر هم ناپلثونی رای آوردند. اما بالاخره موسوی ماند.

این دور پایان یافت. اکنون طرفین عرق ریزان و قنات استراحت را طی می کنند تا در وریدی فرارند. آنها امتیازهای مثبت و منفی دوره های گذشته را محاسبه می کنند. تا شکل ستیز بعدی روشن شود. مجلس قرار است تعطیل بشود تا وکلایی که مستطیع و واجب الحج شده اند به حج بروند. بی گمان چند ماهه آرامی در پیش است. اما تا ضربه های سمج شمارش معکوس سقوط موسوی هنوز باز نایستاده است. هیچ کدام از عوامل دعوا بر طرف نشده و بر همه آنها نتایج پر تنش مباحثات اخیر افزوده شد. هر گام اجرایی دولت همچنان با عوامل ستیز تصادم می کند و اختلاقی شدت می گیرد. بویژه اینکه رویدادهای اخیر نشان داد که از برد فرمان فقیه نیز کاسته شده است. توافق این بار نیز نه ترمیم شکاف بنای رژیم که در حکم گلی بجز که برشکاف کشیده شده است.

حدت بسی حداختلافات حکومت گران با زتاب بن بست رژیمی است که راه خیانت به مردم را برگزیده است. تثبیت شکل و عناصر حکومت و دولت بر زمینه بی ثباتی اوضاع در جامعه ممکن نیست. افزایش بی اعتمادی فزاینده خلق به ارتجاع حاکم، گسترش دم افزون مطالبات مردم، تشدید اعتراضات و دل بستگی مردم به آرمانهای انقلاب، ثبات نظامی را که دشمنان

قطعنامه اجلاس سازمان زنان "هماری آواز" هندوستان در رابطه با وضعیت زنان ایران

محکوم می کنیم.

۲- ما خواستار آزادی فوری همه زنان زندانی ایرانی بویژه خانم مریم فیروز، مسئول تشکیلات دموکراتیک زنان ایران هستیم. اعمال هر نوع شکنجه بر علیه این زنان در زندانهای مرگبار جمهوری اسلامی ایران از نظر ما شدیداً محکوم است.

در پی خواهد داشت و نه از گستره بی اعتمادی خلق خواهد کاست. نه ستیز بعدی و نه بند و بستهایی که به دنبال خواهد آمد هیچ کسدام نخواهد توانست راهی برای علاج مشکلات دم افزون رژیم باشد. تشنگی، لاینفک از حکومت شده است. درماندگی رژیم از می و مانده ای است که خود برگزیده است "خود کرده را ندبیر نیست".

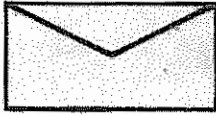
اخیراً در اجلاس سازمان "هماری آواز"

(فریاد ما) که یکی از سازمانهای مترقی زنان هند و عضو کنفدراسیون زنان هند وستان می باشد قطعنامه زیر در رابطه با وضعیت زنان ایران به تصویب رسیده است:

۱- ما اعضای سازمان زنان "هماری آواز" هیمالچال پرادش، قویات تضييقات علیه زنان زحمتکش ایران و اقدامات ضد زنان در ایران را

مردم می خواهند نامکم می کند. آنها قدرت را قبضه کردند اما تثبیت این قدرت را در دشواری است. این وضعیت هم نتیجه مبارزه مردم است و هم زمینه ای برای گسترش آن. با گسترش مبارزه علیه روند خیانت باری که حاکمیت جمهوری اسلامی در پیش گرفته در سازای و تحکیم نظام دلخواه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دشوارتر می شود. بر چنین زمینای نتیجه بعدی نبرد جناحین هر چه که باشد نه ثببات

نامه های خوانندگان



★ رفقای "پاکستان" از همکاری شما بسیار خرسندیم. مطالبی که در رابطه با "آر-سی-دی" از جراید پاکستان جدا کرده و برای ما فرستاده بودید، همچنانکه از نظرشان گذشت، دستمایه يك مقاله قرار گرفت. این موضوع و مسائل دیگری را که در رابطه با ایران است و نیز توطئه هایی که بر علیه دولت و ملت انقلابی افغانستان صورت می گیرد، می بایست در نشریات پاکستان از جانب شما باز هم پی گیری شود.

همچنان منتظر نامه های شما خواهیم بود.

★ رفیق "کیلراد" (پاکستان) از شعرها و ترجمه های شما سپاسگزاریم. شعرهایتان را برای "دفترهای هنر و ادبیات" ارسال کردیم.

★ رفقای "هندوستان" مقالاتتان را به موقع بفرستید. گرمترین درودهای ما نثار همگانی شما باد.

★ رفیق مزدك از بریتانیا خوشحالیم که هر هفته، نامه های از شما به دستمان می رسد. در ادامه اخباری که در رابطه با اعتصاب معدنچیان انگلستان در اکثريت به چاپ رسید، سربازگزارش زندهای همراه با عکس تهیه کرده و ارسال کنید.

لطفاً مقالاتتان را به صورت فشرده تری بنویسید.

★ رفیق "داراب" (هندوستان) مقالاتهای را که بدان اشاره داشتید، از نظر آمار ارائه شده از جامعیت کافی برخوردار نبود. اگر در این زمینه اطلاعات و آمار بیشتری دارید، با ما همکاری کنید.

★ رفیق "سهند" (اسپانیا) منتظر دریافت به موقع مقالاتی که قول داده اید، هستیم. با توجه به ذوق شاعرانه اتان از ترجمه اشعار و ادبیات انقلابی کشورهای اسپانیایی زبان نیز غافل نباشید. به عنوان نمونه مناسب بود اگر بخاطر سالگرد شهادت گارسیا لورکا مقاله ای برای ما تهیه کرده و می فرستادید.

★ رفیق بابك (هندوستان) همکاری شما با ما شریخت است. در مورد جریان "سیکیم" بهتری بود در گرما گرم ساله خود شما مطلبی تهیه می کردید و سریعاً برایمان می فرستادید. در ترجمه از روزنامه ها توجه خود را بیشتر به اوضاع منطقه معطوف کنید.

★ رفقای آمریکا! گزارش شما در مورد المپیک لوس آنجلس، دیر به دست ما رسید. این قبیل مطالب را باید سریعتر برای ما بفرستید.

از همکاری شما تشکر می کنیم.

می آورند که موقعیت را دریابند، وحدت خود را (البته در زیر پرچم سیاه حزب) حفظ کنند و به فکر آینده باشند.

از این نظر و با توجه به نقش فائده حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت باید معترف بود که خامنهای بی جا نمی گوید وقتی که تاکید می کند "ساله حزب، یکی از سبیل جدی کشور ماست" (همانجا)

به موازات تشدید بحران عمومی حاکمیت، کشمکش ها بر سر حزب جمهوری اسلامی و در درون آن اوج میگیرد

بقیه از صفحه اول

دشمنی با نظام پرداخته است (۲۰۰۰ جمهوری اسلامی - ۱۳ مرداد)

به نظر خامنهای حزب بنیاد حاکمیت است اما در حاکمیت کسانی یافت می شوند که به زعم او "آدمهای بدی نیستند" اما به "حزب بد" می گویند و در واقع "با حزب مخالفت می کنند" و یا این که "اصل حزب را قبول دارند" ولی "يك چهره را ۰۰۰ کناری گذارند و مابقی را می گویند" شورای مرکزی را می گویند، هیأت اجرایی و واحد های گوناگون دیگر را می گویند. "برخی نیز هستند که به گفته دبیر کل حزب" گاه رمزه می کنند و کرده اند که بلی، حزب از هدف های اولیه خود منحرف است و از شعار های اولیه خود، دست کشیده است" (همانجا)

حزب جمهوری اسلامی عمیقاً انحصار طلب و قدرخواه است. این خصیصه که بر کلیت حزب غالب است، روابط بین اجزا و اعضای آنرا نیز تعیین می کند و بحران و تشتت درونی آنرا تشدید می کند. خامنهای و دارو دسته و شرکای او که می خواهند "افسار حزب را در دست داشته باشند"، به دیگر جریان های درونی آن تاکید می کنند که این شکل را "به ابزار و وسیله ای برای خواسته های شخصی، صغی، باندی و گروهی خود" تبدیل نکنید و بر مبنای "پست مقام" حزبیان، "امتیاز" نخواهید (همانجا)

خامنهای، در مورد مخالفان حزب در حاکمیت و در درون خود این جریان، می گوید بعضاً "غرضی ندارند، منتهی بی اطلاعند، نمی فهمند که این کارشان به نفع چه کسی دارد تمام می شود و درک لازم را از موقعیت کنونی کشور ندارند."

مفهوم این سخنان چیست؟ تکیه خامنهای بر روی ضرورت تشکیل از کجا آب می خورد؟ واقعیت این است که بسیاری از جریانات و دسته بندی های که در حاکمیت به چشم می خوردند، از طریق چشم انداز آینده جامعه قابل تفسیر و تعبیر می شوند. آن هنگام که جمهوری اسلامی، هنوز وجهه خود را در میان مردم، از دست نداده بود و مردم بدان، به چشم نمره انقلاب و نه محمول میوه چینی قیام می نگریستند، حاکمیت بر نفوذ توده های خود تکیه داشت. به تدریج از دامنه این نفوذ کاسته شد و برای این که حفظ حاکمیت میسر گردد، هژمونی جای خود را به اتوریته ژانچاق سپرد. فقدان کامل عنصر هژمونی در آینده، نقش شکل ها و باند ها را در میان هیأت حاکمه افزایش خواهد داد و از همین روست که تکیه مبره های کلیدی حکومت بر روی حزب جمهوری اسلامی - به عنوان مهمترین و پر قدرترین تشکیلات ارتجاع حاکم - دم به دم بیشتر می شود.

سران حزب، در پرتو شناختی که از این روند دارند، به مخالفین خود در حاکمیت فشار

این جریان نیز خود از نارضایتی عمیق مردم در امان نمانده است. حتی برخی از اعضای آن، دیگر مصلحت را در کناره گیری از آن جستجو می کنند، برخی خود را فربه خورده اعلام می کنند و عده های نیز از عناصر و جویانهای حول و حوش حاکمیت هرگونه رابطه خود را با آن انکار می کنند و برای میرا ساختن خویش از آلودگیهای آن، در بعضی موارد به افشای آن می پردازند.

خصایات نا همگون حزب و بی سرانجامی آن، بحران درون حاکمیت را به درون این جریان سرایت می دهد و در داخل آن، بحران و دسته بندی ایجاد می کند.

بخشی از بحران حاکم بر حزب جمهوری اسلامی، به خصیصه شبه فاشیستی آن برمی گردد، این حزب تحمل هیچ گونه تشکیلات دیگری را ندارد، هر چند هم با آن وجه مشترکی داشته باشد و به سران این جریان، تکیه کند.

از سوی دیگر حزب، بخشی از روحانیت حاکم را در خود متشکل ساخته است که همگی بنا بر خصیصه عمومی این قشر، خود مدارند و تاریخاً با چند مرکزیتی خود گرفته اند و همانند سلاطین هیچ يك از دوتایشان در يك اقلیت نمی گنجد و لاجرم نمی توانند تابع بیرونی را جزئی باشند.

حزب جمهوری اسلامی، یکی از طرفهای عهد و ستیزهای اخلاقی هیأت حاکمه و کل روحانیت است. در این ستیزها، قدرت تشکیلاتی و تبلیغاتی این حزب، حکم يك اهرم فشار را دارد و پیش از این که به عنوان يك تشکیلات سیاسی، مطرح باشد، چنین نقشی را ایفا می کند. علت این کارکرد را در آن باید دید که حزب جمهوری اسلامی با زوی تشکیلاتی بخش عمده جناح غالب در حاکمیت است. این جناح از طریق مبره های سرشناس خود و زدی باند های آنها، کار خود را پیش می برد و آن هنگام که ضرورت پیش آید، به این اهرم فشار و بلندگوی تبلیغاتی رو می آورد و در این میان، جناح های دیگر که خود را فاقد چنین اهرمی می بینند، گاه مشخصاً این شکل را مورد حمله قرار می دهند. بدینسان حزب جمهوری اسلامی در کانون تنشها واقع شده و لاجرم در آن گرایشهای مختلفی به چشم می خورد.

خامنهای رئیس جمهور و دبیر کل حزب، اخیر در حضور اعضا و هواداران این حزب در زنجان با عبارات زیر خود بر روی برخی از این گرایشها و تنشها انگشت نهاده است. به نظر خامنهای، حزب جمهوری اسلامی "برای نظام يك ضرورت و پایه مستحکم است، عامل هدایت در جامعه است" و هر کس به فکر تشکیلات دیگری باشد و یا با این حزب دشمنی کند، به

صدمین شماره "راه توده"

صدمین شماره راه توده، نشریه هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور، منتشر شد. با این شماره دوره اول انتشار این نشریه انقلابی پایا می‌گیرد. مندرجات دوره اول "راه توده" در تجهیز نیروهای شرقی خارج از کشور علیه اختناق سیاهی که بر میهن ما سایه افکنده است تأثیر مهمی بر جای نهاده است. "راه توده" به مثابه بیانگر صدیق رخدادهای جامعه، صمیمانه کوشش داشت تا مسائل مردم میهن ما، بویژه زحمتکشان منعکس گردد. "راه توده" در افشای جنایات مرتجعین حاکم، نقش بزرگی ایفا کرد و افشاگریهای آن سهم بزرگی در رسوایی دشمنان مردم بجا نهاد. در شرایط پرتحول و بغرنجی که در طول دوره اول انتشار راه توده جامعه ما طی می‌کرد خدات پراچ این نشریه، اهمیت بسیار شایسته‌ای داشت. اینک با انتشار صدمین شماره، دوره اول این نشریه پایان می‌گیرد. دوره دوم به صورت ماهانه، به زودی آغاز به انتشار خواهد کرد. بی‌گمان این نشریه توده‌ای، در دوره دوم نیز خواهد توانست وظایف سنگینی را که بر عهده گرفته، با موفقیت به انجام رساند.

بقیه از صفحه اول

"طرح ارزشیابی کارکنان دولت" سربویشی بر روی اختناق و اخراج گسترده کارمندان

دادن شمشیر دامو کلس اخراج بر بالای سر کارمندان، از هرگونه حرکت اعتراضی و اعتصابی آنها در حال و آینده جلوه‌گیری نماید. کارمندان دولت به درستی تشخیص داده اند که "هدف از اجرای طرح ارزشیابی اخراج و یا بازخرید کارمندان است." (کیهان - ۴ مرداد) رژیم می‌داند که گرانی کم‌رکن می‌تواند به عنوان سرسام آورنده و کرامت‌خیز، امروز آخرین رفق حقوق‌بگیران را گرفته است و ادامه این وضعیت امکان پذیر نیست و از آنجا که رژیم بنابه ماهیت اش نمی‌خواهد و نمی‌تواند که چترین قدم موثری در جهت کاهش گرانی و تورم بردارد، تنها چاره ادامه وضعیت حاکم را تشدید هرچه بیشتر جو پلیسی و اختناق می‌داند.

بی تردید، اختناق سازمان یافته پلیسی رژیم در ادارات و موسسات دولتی، هیچیک از مشکلات موجود در داخل نخواهد کرد. همانطور که سلطه ساواک شاه در سازمانهای دولتی مشکلات را مضعف می‌نمود، سلطه خبرچیان و جاسوسان رژیم ج ۱۰ نیز تحت هر عنوانی که باشند، تضادهای رژیم حاکم را با قشر میلیونی حقوق‌بگیران تشدید خواهد نمود.

خواهد بود. تجارب نزدیک به شش سال زمامداری گردانندگان رژیم مکرراً ثابت می‌کند که آنچه که در نظر آنها پیشیزی نمی‌ارزد، تعهد به انقلاب از یک سو و تجربه و تخصص از سوی دیگر است. در ۱۰ همواره اصل بر همسویی باطنی و ظاهری با سیاست، فرهنگ و اخلاق ارتجاعی و عقب‌مانده حاکمان است. در این عرصه، هر کمبیشتر سالوس و چاپلوس است، "مکتبی" تر است و صاحب پست و مقامی که به ذره‌ای لیاقت و صلاحیت صدی آنرا ندارد. اکنون کم نیستند، مدیران و صاحب‌منصب‌هایی که صرفاً نان فرصت‌طلبی، پستی و بی‌صفی خود را می‌خورند و نیز بیشمارند، متخصصین لایبق و مجری که بخاطر عدم تمکین به سیاست حاکم از کار برکنار شده و از تأمین ابتدایی ترین مایحتاج زندگی خود و خانواده شان درمانده اند و یا به جرم دگراندیشی در کشتارگاه‌های رژیم به صلابه کشیده شده اند.

از سوی دیگر، رژیم با اجرای این طرح، در نظر دارد با کنترل فرد فرد کارمندان و با حاکم کردن جو پلیسی و اختناق، سازمان یافته، و قرار

مردم یکبار دیگر در جریان انتخابات میان دوره‌ای، بی‌اعتمادی و انزجار خود را نسبت به رژیم عیان ساختند

شهر ۵۱/۷۸ درصد، در شیراز ۶۸/۵۱ درصد، و در اصفهان ۵۷/۵۸ درصد، تقلیل یافته‌اند. این میزان کاهش، به مراتب بیش ازانی است که بتوان آن را از طریق تقلیل معمولی تعداد رای دهندگان در انتخابات میاند و راهی، توضیح کرد. بررسی مقایسه‌ای کل شرکت‌کنندگان در انتخابات دور اول و دور اخیر و آرای هر یک از کاندیدها در شهرهایی همچون اصفهان که درگیری جناح‌های رقیب نمود آشکاری داشته و به افشاکری و برخورد علنی کشیده شده، نشان می‌دهد که افشای یک جناح به توسط جناح دیگر، آرای مردم را به سوی جناح افشا کننده، سوق نمی‌دهد. پایین افشاگرها، پیژاری مردم از هر دو طرف افزایش می‌یابد و آگاهی و سطح حرکت توده‌ها باعث می‌شود که آنان در مجموع به یکسان بی‌اعتمادی خود را نسبت به جناح‌های رقیب، عیان سازند. مردم بی‌برنده مضمون این درگیریها، دعوا بر سر سرعت و نحوه پیشبرد سیاستهای ضد مردمی نیست نه تأمین منافع آنها. مردم روز به روز پیش از کلیت رژیم، باز از انزجار می‌کنند و به هیچ یک از جناح‌ها، دل نبسته نمی‌بندند.

در حالی که مجلس در جریان اعلامی رای اعتماد به دولت بود، در شهرهایی که انتخابات میان دوره‌ای برگزار شد، مردم دیگر، بی‌اعتمادی خود را نسبت به مجلس و دولت و کلیت رژیم، اعلام داشتند. در انتخابات مجلس دوم، در برخی از شهرها، افشاکری کاندیداهای دینغو ذ نسبت به تقلبات یک دیگر، درگیری بین جناح‌های حاکمیت، بالا نیامد کاندیدای مورد پسند، حزب جمهوری اسلامی و شورای نگهبان و ناتوانی رژیم در کتمان تقلب و تزویر ستاندر کاران انتخابات، باعث شد که انتخابات در این نقاط، باطل اعلام شده و تجدید گردد. به دنبال برگزاری انتخابات میاند و راهی، حتی نتایجی که رسماً از جانب وزارت کشور اعلام شد، نشان می‌دهد که درصد شرکت‌کنندگان نسبت به دور اول انتخابات مجلس دوم، در مجموع قریب به ۵۰ درصد، کاهش داشته است. در شهرها بزرگ و نقاطی که درگیری بین جناح‌ها و رسوایی طرفین، جلوه بیشتری دارد، این کاهش بسیار چشمگیر است. به عنوان نمونه در شهریار تعداد رای دهندگان ۵۹/۵۴ درصد، در قائم

۵۲ ضد انقلابی در

نیکارگونه به هلاکت رسیدند

ضد انقلابیون مهاجم به خاک نیکارگونه در جنگ با سربازان ارتش خلقی این کشور تلفات سنگینی متحمل شدند. روز و شنبه ۱۲۰۰ اوت در ماتاکوا، وزارت دفاع نیکارگونه اعلام کرد در روزهای ۱۶ و ۱۸ اوت در استان ماتاکالپا ۵۲ ضد انقلابی طی نبرد بانبروهای دولتی به هلاکت رسیده‌اند.

دانیل اورنگا، هماهنگ کننده شورای دولتی نیکارگونه، در یک میتینگ در شهر "سانتو توماس" بار دیگر تأکید کرد خلق نیکارگونه و سایر ملل آمریکای لاتین از استقلال خود دفاع خواهند کرد. وی نسبت به مداخله مستقیم نظامی و اشنگتن در نیکارگونه هشدار داد و اظهار داشت انقلاب سازد نیستی رانی توان به زور اسلحه به زانو درآورد.

با جمع‌آوری

کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی خود

یاری دهید!

زیر هزار تیغه خنجر ①

سقف آویزان می کنند ، بطوریکه فقط نوک انگشتان پایش ، با زمین مماس باشد . این شکنجه که برای کسب اطلاعات صورت میگیرد ، معمولاً به مدت یک هفته ، مرتباً تکرار می شود و تنها بیهوش شدن زندانی است که وقفه ای در آن ، به وجود می آورد . در مواردی که پای مسئولین سازمانها در میان است ، خود لاجوردی و بعضاً برخی از دیگر عناصر حاکمیت ، همچون هادی غفاری ، برادر شکنجه نظارت کرده و یا اینکه خود شلاق بدست می گیرند . قریب به یک سال پیش رفقا گزارش کردند که هادی غفاری را دیده اند که یکی از مسئولین سازمان را در اوین به وحشیانه ترین شکل ممکن ، به تازیانه بسته است .

برای شکنجه گران مهمترین هدف آن است که در همان جلسه اول ، زندانی را شکنند

★ زندانیان مبارز می دانند مهمترین از همه چیز ، امتحانی است که خودشان پس می دهند . هیچ کس به نمایندگی از طرف کسان دیگر با بازجو شکنجه گران مواجه نمی شود . تو خود باید سرنوشت نبرد را که بر شرافت ، سر بلندی و استقامت تو جاری است ، تعیین کنی !

و اداره اعتراف سازند . آنها در عمل پس می بردند و وقتی زندانی ، در اول شکنجه را از سر بگذرانند ، در جلسات بعدی مجرب شده و روحیه استوارتری خواهند داشت . از همین رو است که گاه در اول شکنجه ، روزها بعد و وقفه ادامه پیدا می کند و حماسه هایی آفریده می شود که کلام از توصیف آن عاجز است . برای یک انقلابی هیچ صحنه ای از آن دلپذیرتر و افتخار آفرین تر نیست که ببیند شکنجه گرش کلافه شده و ناامیدانه شلاق را به یک سوسو می افکند ، در حالی که شهادت آنرا ندارد ، نگاه خود را در راستای نگاه رزمجویانه زندانی بگذارد . اکنون خود شکنجه گران نیز معتترف گشته اند که هرچه که می گذرد ، روحیه اکثر زندانیان استحکام بیشتری یافته و آنان دلاورتر و مجربتر با دمنشی های جلادان ، مواجهه می شوند .

مقاومت در جریان بازجویی

بازجویی از اعضای گروه های چپ در شعبه های ۵ و ۶ دادستانی اوین صورت می گیرد . شعبه ۵ معمولاً کارش بازجویی از اعضای سازمان و مافوقای حزب توده ایران است . همچنان که در گزارشهای قبلی متذکر شده ایم ، بازجویی و شکنجه و جریان جدا از یک دیگر نیستند . در بسیاری موارد بازجو خود یک شکنجه گراست . آنان دارای عناوینی هستند که بعضاً بسیار زیاده است . همچون ششلول بند ، تیغ کش و ... آنها لاف و گزاف زیادی می زنند . ابتدا برای تضعیف روحیه زندانی با افتخار تمام می گویند : " هر کس را که به زیر میانی ببریم ، مثل بلبل و اداریه حرف زدن خواهد شد " و در مورد خودشان چنین مدیحه سرایی

مجروح و دست و پا های سوخته و شکسته ایست که نگرستن به آنها حتی جلادان نامدار تاریخی را از فرط شرم ، سرافکنده می سازد . مقامات مبارزین در بند ، تنها در زیر شکنجه تجلی نمی یابد . هر دقیقه به سر بردن زندانیان جمهوری اسلامی ، محک پایمردی آنان است . این مقام و نگاه به عرصه جمیع می کشد ، شکل تشکلی را می یابد و به حرکت تبدیل می شود . مبارزین در بدترین وضعیت و به یک تعبیر گویند " زیر هزار تیغه خنجر نیز رزم خود را پیش می برند " .

ماد رزیر برای اینکه آخرین وضعیت اوین را نیز تصویر کرده باشیم ، از میان گزارشهای متعدد می گویم که در یافت کرده ایم که هادی از جلوه چند ماهه اخیر این پایمرد بیهار منکس می سازیم و خود از پیش از آن داریم که گزارشها تنها جلوه های محدودی از مقام و مت زندانیان را در بر می گیرد که بی گمان در برابری آن بسی خرد و اندک می نماید .

هدف از خیمان شکن روحیه

همه ایادی رژیم که یک زندانی آزادی و لیل لحظه بازداشت و در تمام مدت اسارتش با آنها مواجه می شود ، از پاسدارانی که به خانه او می ریزند تا جلادانی که از او بازجویی می کنند و نگهبانانی که مراقب رفتار او در زندان هستند یک هدف را دنبال می کنند : شکستن روحیه زندانی .

★ یک مبارز می داند که برخورد با بازجو و شکنجه گر ، یکی از مهمترین فرازهای زندگی مبارزات است و لذا باتوسل به این نظر ، که اصل مبارزه در جای دیگری جریان دارد ، برخورد رزمجویانه با بازجو را دست کم نمی گیرد .

مقاومت یک انقلابی نیز در این مرحله از مبارزه اش از همان لحظه اول اسارت آغاز می شود و یکی از مهمترین فرازهای آن مقاومت در جریان بازجویی و شکنجه است .

مقاومت در زیر شکنجه

هرچه که می گذرد شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی و به ویژه اوین شدت بیشتری یافته و در عین حال سیستماتیک تر می شود . معمولترین نوع شکنجه جسمی ، استفاده از شلاق است . شلاق زدن به صورت وحشیانه ای صورت می گیرد . کمتر کسی در اوین پیدا می شود که پایش بر اثر تحمل ضربات تازیانه آتش و لاش نشده و پس از بهبود جراحات وارده ، گوشت زیادی نیاورده باشد . در این و آخر پای یکی از رفقا را که بعد از شکنجه با شلاق ، به شدت عفو نگذشته بود ، ناچار شده اند در بهار اوین ، از زیر زانو ، قطع کنند .

در نوع دیگری از شکنجه که اخیراً بسیار معمول شده است ، به وسیله طنابی که به دستهای زندانی گره خورده است ، او را از

فجایعی که در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی رخ می دهد ، از یک سو نشانگر عمیق دمنشی های این حکومت و کینه حیوانی آن نسبت به مبارزین پایبند به آرمانهای مردمی است و از سوی دیگر حد بالای مقامات انقلابیون اسیر را می رساند . ضرورت افشای چهره کربه رژیم و جلادان آن ، نگاه این وجه اخیر راتحت الشعاع قرار می دهد و باعث می شود در گزارشهایی که در رابطه با زندانیان سیاسی ایران انتشار می یابد ، بیشتر بروجه سببیت و درنده خوئی درخیمان تکیه گردد . انعکاس مقامات مبارزین در بند می بایست در جای خود برجستگی ویژه ای یابد . این مقام و درکانون پایداری خلق برای حفظ انقلاب و تدوین آن قرار دارد و تنها از این زاویه است که جلادیهای رژیم نیز جایگاه و مفهوم واقعی تاریخی خویش که همانا تلاش در جهت نابود ساختن انقلاب است ، انکار برینشی متجرب و فسیل شده است ، را بیلا می سازد .

★ اکنون خود شکنجه گران نیز معتترف گشته اند که هرچه که می گذرد ، روحیه اکثر زندانیان استحکام بیشتری یافته و آنان دلاورتر و مجربتر با دمنشی های جلادان ، مواجهه می شوند .

جمهوری اسلامی مدعی است که زندانیان سیاسی ایران ، تنها جایگاه توابع است و آنها و قیحه ادعای کنند که هر کس پیاد کشتارگاه و به زعم سران خونخوار و بی شرم حکومت " دانشگاه " اوین بگذرانند ، در همان ساعات اولیه اسارت ، مجاب شده و در سلک توابعین درمی آید . آنها بی شرمه می گویند در زندانهای حکومت کسی دم بر نمی آورد ، آنجا از مقام و مت خبری نیست ، وردی که در گوش اسیر خوانده می شود ، همه را می شکنند و سرسراهِ و توبه کاری سازد !

این دروغهای گو بلزمآب ، در حالی که دم به ساعت از بلندگوهای تبلیغی رژیم و از زبان بزرگ جلادان آن تکرار می شود که مبارزان در بند ایران ، فصل درخشانی بر کتاب سیرخ مقامات در زندانهای سیاسی جهان افزوده و جلوه تابناکی از استقامت انقلاب در برابر ضد انقلاب را به نمایش نهاده اند . شاهد آنان دهها هزار اعدامی است ؛ شاهد آنان اتاقهای تعزیر و تشییعی است که یک آن نیست که از فریاد رزمجویانه آن دلاوران ، در زیر شکنجه مرتجعین حاکم ، به لرزه در نیاید ؛ شاهد آنان سلولهای مخوفی است که بیش از ده برابر میزان عادی در خود ، زندانی جای داده اند ؛ شاهد آنان دهها زندان جدیدی است که با عجله در گوشه و کنار خاک گلگون گشته میهنان ، ساخته می شود ؛ سند مقاومت آنان پیکره های

می کنند: "من همانم که ازفان كسك حـرف كشیدم . من همانم که بهمان كس را با دست خودم خفه کردم . من همانم که تا حالا ده نفر مثل شما را با شلاق به درك واصل کرده ام !"

در جنانیتکاری این شکنجه گران ، مطلقاً شكی نیست . ولی زندانیان آموخته اند که نباید از بلو فهای آنان جا بخورند .

بازجو ها وانمود می کنند که همه چیز را می دانند ، ولی تجربه نشان داده است که اطلاعات آنها در اکثر موارد نادرست و بهر همان چیزهایی که خودشان برای اثبات آگاهیشان بر فعالیت های مبارزین ، رومی کنند ، محد و می شود . حیلۀ كلاسیك آنان مثل سل بازجو های همه زندانهای رژیمهای فاشیستی دنیا ، این است که دیگران در مورد زندانسی تحت بازجویی ، حرف زده اند . آنها را توتوسل به این حیلۀ سه هدف راد نیال می کنند: اینکه بسیار قدرتمندند و همه را به اعتسراف وامی دارند ، اینکه همه چیز را در مورد زندانسی می دانند و بالاخره اینکه اعتراف نردن يك پدیده عادی و معمولی است و دیگر با اصطلاح قبح آن ریخته است . از هر سه زاویه باید با بازجو مقابلۀ کرد . يك مبارز می داند که برخورد با بازجو و شکنجه گر ، یکی از مهمترین فرازهای زندگی مبارزاتی است و لذا با توسل به این نظرسر ، که اصل مبارزه در جای دیگری جریان دارد ، برخورد رژیم جوانه با بازجو را دست کم نمی گیرد . برخلاق تمام تبلیغات دروغین و وقیحانه رژیم ، اصل بر مفاومت است نه بریریدن و شکستن . خیل عظیم انقلابیون اعدام شده مبارزینسی که به حبس های طویل المدت محکوم شده اند و رزمندگانی که با سربلندی مبارزه خسود را در زندانهای سیاه جمهوری اسلامی نیز پیش می برند ، برترین شاهداین حقیقت تا بنسك است . نفس استفاده از جانبی ترین شکنجه گران پلید ترین بازجویان و وحشتناك ترین شیوه های شکنجه نیز دلالتهای استواری انقلابیون دارد .

یکی از رقفا برای مانو شده است: "مرا به يك تخت بستند و پیکرم را آتش و لاش ساختند . آندم که بازجو در کنار تخت نشست ، پرونده ای را ورق زد و گفت حالا که حرف نمی زنم باید بدانم که در این پرونده همه گونه اطلاعات در مورد من درج شده است ، حس کردم که پیروز شده ام و همچنان سربلند و سرافراز در آغوش سازمان جا دارم ."

رفیق دیگری می نویسد: "زندانیان مبارز می دانند مهمتر از همه چیز امتحانی است که خودشان پس می دهند . هیچ کس بهر نمایندگی از طرف كسان دیگر با بازجو و شکنجه گر مواجه نمی شود . تو خود باید سرنوشت نبرد ی را که بر سر شرافت ، سربلندی و استقامت توجاری است ، تعیین کنی !"

رفیق دیگری از زندان برای سازمان پیام فرستاده است: "مبارزه خود را پیش ببرید رقفا ! ما و دیگر یاران و دوستانمان نیز در اینجاست

پرچم رزم را برافراشته نگه می داریم و نشان می دهیم که خواهیم توانست از سنت شكو و همد دل وری و شرف زندانیان سیاسی در ایران ، پاسداری کنیم ."

"مصاحبه" تلویزیونی

مصاحبه های تلویزیونی مختلفی که از شبکه سرتاسری پخش شد ، تا شیری را که رژیم می خواست ، به جا نهداد . در سطح جامعه پخش این مصاحبه ها به معنی اعتراف علنی به وجود وحشیانه ترین و ضد بشری ترین انواع شکنجه بود و از همین رو نتیجه محکوس بخشید . مصاحبه ها را چندین بار از تلویزیون مدار بسته اوین پخش کردند . در حین پخش این نمایشهای وقیحانه نگهبانان به مسخره می گفتند "صحبت های سرتان را می شنوید؟" اما زندانیان می کوشیدند با شوخی و پوزخند مصاحبه ها را بنگرند و نگذارند که تاثیرات روحی منفی به وجود آورند . در یکی از اتاقها ، نگهبانان رفیقی را که در تمام طول مدت پخش يك مصاحبه متلك پرانی می کرد ، به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند . نکته پردازی ، خونسردی و مفاومت رفیق ، جو سلول جمعی را شاداب کرد و اثر منفی نمایش راز و د . زندانیان که خود برخورد مستقیمی با شکنجه داشته اند ، می دانند که این نمایشهای وقیحانه تنها بر محکومیت خود رژیم دلالتهای انقلابی .

★ پیام يك رفیق از زندان برای سازمان: "مبارزه خود را پیش ببرید رقفا ! ما و دیگر یاران و دوستانمان نیز در اینجا پرچم رزم را برافراشته نگه می داریم و نشان می دهیم که خواهیم توانست از سنت شكو و همد دل وری و شرف زندانیان سیاسی در ایران ، پاسداری کنیم ."

بخشی از شکنجه ای که زندانیان متحمل می شوند برای وادار ساختن آنان به شرکت در مصاحبه هایی است که در "حسینیه" انجام می پذیرد و از طریق تلویزیون مدار بسته در همه سلولهای اوین پخش می شود . آنهایی که به مصاحبه تن می دهند در اقلیت کامل قرار دارند . در میان این دسته از زندانیان ، بسیار كسان یافت می شوند که می کوشند حرفهای مورد نظر لا جوردی را تکرار نکنند . در این حال ایمن جلا د خونخوار دچار خشم و غضب شدیدی می شود و بر لبان همه زندانیان ، پوزخند می نشیند . این صحنه بسیار تماشایی و فرح انگیز است .

تحمل شکنجه در لحظه به لحظه اسارت

تمام طول لحظات اسارت با شکنجه های جسمی و روانی همراه است . وقتی انسان مجبور باشد مثلاً هر روز در سبای اخلاق عسگر - اولادی را از تلویزیون مدار بسته اوین تماشا کند چندان تفاوتی با آن ندارد که متحمل ضربات تازیانه و تخیمان بشود .

قدرت انطباق مبارزین بر شرایط سخت اسارت در جمهوری اسلامی اعجاب آوراست . آنها آموخته اند که چگونه روحیه خود را بالا نگه دارند و در سلولهای مخوف اوین نیز جو نشاط و مبارزه ایجاد کنند .

برای نگهبانان مرتب جلسات توجیهی می گذارند تا مبادا اندکی از کینه شان نسبت به زندانیان کاسته شود . آنها رقفاً ما را "سکهای مارکسیست" خطاب می کنند و با کوچکترین بهانه آنان و دیگر مبارزین اسیر را زیر ضرب و شتم قرار می دهند . حتی در هنگام تحویل گرفتن لباس نیز باید از انبار دركك خورد . او این کار را برای "شواب" و "اجر آخرت" انجام می دهد !

بیماریهای مختلف نیز علاوه بر ضایعات ناشی از شکنجه که برخی به سوتخذیسه برمی گردد و برخی به فقدان هرگونه امکانات بهداشتی ، در آزار زندانیان ، با - بلادان همدستی می کنند . محیط زندان ، آنقدر آلوده گشته است که کوچکترین تماس با دیواره حمام و دستشویی ، ابتلا به بیماریهای پوستی را به دنبال خواهد داشت . زندانی وقتی بیمار شد ، باید با آن سر کند و با عوارض سازد . بهداشتی اوین تنها برای آن است که شکنجه شده ها را برای شکنجه بیشتر زنده نگه دارند .

هزارگانه ای باید شاهد یورش پاسداران به داخل بند بود . آنها بیشتر دنبال مداد و خودکار می گردند که داشتن آنها ، یکی از پزگترین جریمه است . در همین ماه سال گذشته یکی از رقفا شعری سروده بود که در حین بازرسی ، به دست پاسداران افتاد . کسی حاضر نشد شاعر را معرفی کند . پاسداران همه زندانیان اتاقی را که در آن شعر را یافته بودند ، به حیاط بردند و ساعات متوالی در میان سوز سرما نگه داشتند . از این کار نتیجه نگرفتند . برای آزار بیشتر ، زندانیان را لخت کرد و به داخل حمام بردند . بجمه هوا كشه ها را روشن کرده و دوشهای آب سرد را هم باز گذاشتند . باز کسی شاعر را نداد . به دنبال این اقدام وحشیانه ۱۵ نفر از ۳ زندانسی آن اتاق به شدت بیمار شدند . برای مجازات بیشتر آنها به مدت يك ماه از حق هواخوری نیز محروم گشتند .

عده ای از توابعین - که قریانیان شکنجه های ضد بشری جلادان جمهوری اسلامی هستند - نیز برای آنکه نشان دهند به راستی تو به كسار گشته اند به نیابت از جانب زندانبانان ، در درون بند ها زندانیان را آزار می دهند . برخورد با توابعین از حساسیت ویژه ای برخوردار است . ضمن عدم اعتماد مطلق و پنهانکاری اكید ، باید با آنان همچون انسانهای مسخ شده و قریانیان نظام برخورد کرد . نفرت خود را متوجه عاملین این جنایتها ساخت و به خواست زندانبانان مبنی بر محروم کردن تضاد بین زندانیان مقوام با توابعین و خائنین ، گردن نهداد . ادامه دارد

سوابق رهبر گشت "سیندرلا"

نماینده دادستانی:

— علیرضا زهروری رهبرياند، شغل سپاهی و ملبس به لباس مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که امام امت، روحی له الفداء در باره این بان برکفان سپاه فرمودند: "سپاه نور چشم من است و چشم من نباید خفا کند..."

وی پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دادسرای انقلاب اسلامی مد نهاد رد دادستانی انقلاب رفت و آمد داشته و مدتی نیز در کردستان بوده است. بنا به قول متهم و گواهی دفتر ویژه امور کردستان متهم در جریان درگیریهای سال ۵۸ کردستان در تاریخ ۵۸/۵/۳۰ توسط گروه همدانی کردستان اسیر و سپس در تاریخ ۹۷/۷/۱۷ آزاد شد. وی پس از آزادی به سپاه راه یافته...

(کیهان - ۲۳ مرداد)

همانطور که در هنگام دستگیری این گشت، نوشتیم، شیوه اقدامات جنایتکارانه این گشت، نمی توانست، بدون بهره گیری از تجارب طولانی در نهاد های سرکوبگر باشد.

کنفرانس بین المللی برای "صدور انقلاب اسلامی"!

اخیرا، بازنده ای از تلاشان بین المللی بنظور "صدور انقلاب اسلامی" کنفرانس باصطلاح جهانی در لندن برگزار کردند. در یک بند از قطعنامه کنفرانس کذایی گفته می شود: "انقلاب اسلامی ایران نشان داد که اسلام را می توان بطور کلی برای بازسازی اجتماعی، در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین زندگی خصوصی و عمومی مردم بکار گرفت."

— به هر اندازه که کیسه حاتم بخشی چ ۱۰۰ برای کلاشان متعلق بیشتر کشاد می شود. البته به حساب "بیت المال" —، به همان اندازه نیز تملق آنها ازمرز "گشاده گوی" قراتر می رود.

استناد بی نظیر!

ناطق شوری وزیر کشور در اظهارات مخالفین خود در جلسه برای اعتقاد "به نامه تشکر آمیز برخی از سارخانه های خارجی مقیم تهران در تایید نظام شهری و دو سال اخیر استناد کرد."

(اطلاعات - ۲۴ مرداد)

صافی "احکام خمس"

مرتضی رضوی نماینده مجلس:

"مجلس اسلامی نمیتواند از آزادی بیان بمعنای امانیسم برخوردار باشد و هر چه بر زبانش آمد بگوید. یک نماینده (و یا هر مسلمان دیگر) باید يك يك الفاظش را از صافی احکام خمس — (حرام، مکروه، مباح، حلال، مستحب) عبور دهد."

(اطلاعات - ۱۵ مرداد)

کردستان، نعمت الهی

"کردستان یکی از نعمتهای الهی می باشد و شکر این نعمت ایجاد وحدت بین نیروهای رزنده سپاه، ارتش، ژاندارمری و کمیته است."

(کیهان - ۱۵ مرداد)

نیم زبان بکشو روارد شد هنوز زبانی به میزان پنجاه میلیون دلار در رابطه با فروش چهره — میلیون بشکه نفت خام به شرکت کاغذی و دلال نفت که این شرکت های دلال، فقط روی کاغذ وجود دارند ۵۰۰ و وزارت نفت بیش از ۶ میلیون متر لوله غیر استاندارد از ترکیه خریداری نموده است. ده از نظر فنی و ایمنی و جهت گازرسانی مناسب نمی باشد ۵۰۰. زبانی به مبلغ یازده میلیون تومان به بیت المال که در رابطه با فروش بشکه های خالی نفت توسط یکی از اطرافیان وزارت صورت گرفته ۵۰۰ در خرید. ۵ میلیون متر چلو روکریاس سواستفاده صورت گرفته و آن را در بازارهای سیاه خوزستان و فارس به فروش رسانده اند و دیگر اینکه روابط سومالی در خرید هایی که توسط شرکت کالای لندن انجام شده است. همچنین خرید های عجولانه بدون برنامه ریزی از اروپا و ژاپن و ۵۰۰ استفاده میهند سین خارجی بسا حقوقهای کلان از ژر جنوبی، استرالیا، آلمان، ایتالیا و انگلیس ۵۰۰ انجام مذاکرات با اعضای کنسرسیوم سابق ۵۰۰.

(کیهان - ۲۱ مرداد)

یک گوشه از وضع درمانی کشور

عباسی فرد نماینده مجلس:

وضع درمانی کشور ریزی نیست که در مورد آن سند ارائه کرد و راجع به آن بحث و استدلال کرد. طبق آماري که افراد صاحب نظر صحه می گذارند میزان مرگ و میر کودکان زیر یک سال ۱۲ درصد است و این آمار برای کشورهای است که خیلی عقب مانده هستند ۵۰۰.

(اطلاعات - ۲۳ مرداد)

روضه کوتاه آذری قمی

آذری قمی نماینده مجلس:

"البته روضه هایی که خواندیم از بسک ساعت کمتر نبوده بنابراین نمی دانیم در عرض ده دقیقه چه بگویم. خدای قاع می کند از مومنین خدا خود ش مستقیما به جنگ دشمن اسلام می آید و رزمندگان مسلمان اربازرو سیله اند ۵۰۰ خداوند به دولت ما اجازه داده است که صلح نکنیم و به جنگ ادامه دهیم ۵۰۰ بنابراین آنهايي که دم از اسلام می زنند خود را مدافع قرآن اسلام، خانه خدای دانند و اصرار می کنند که صلح کنند در مقابل کلام خدا چه می گویند ۵۰۰"

(کیهان - ۱۵ مرداد)

درصد بسیجیهای دانش آموز

پرورش وزیر سابق آموزش و پرورش:

"۵۰ تا ۵۳ درصد رزمندگان بسیجی جبهه هادانش آموزان بالاتر از ۱۶ سال هستند."

(اطلاعات - ۲۴ مرداد)

۵۰ تا ۵۳ درصد بسیجی دانش آموز بالای ۱۶ ساله، درصد نامعینی بسیجی دانش آموز زیر ۱۶ سال، درصد نامعینی بسیجی غیر دانش آموز کم سن و سال و همه به برکت جشنون جنگ علبی و خوی خور نیز رهبران جمهوری اسلامی مین یاب و گوشت دم توپ شده اند.

در حاشیه

کمل تسلیحاتی برای دادن قوت قلب

جلوه هایی از خیانت های رژیم و اقبال اصرار بر تداوم جنگ:

● روزنامه ابزور ۲۲ ژوئیه خبر می دهد که "از بیمه لویدز خواسته شده محموله عجیبی را که شامل ۲۵ جنگنده مافوق صوت اف-۵، می باشد، بیمه کند. این محموله از آمریکا راهی ترکیه است و خبرهای رسیده از منابع مختلف، حاکی از آن است که مقصد نهایی آن ایران می باشد. به عقیده این روزنامه "آمریکا، نگران است که مبادا ایران پس از ناکامی هایش در یک جنگ طولانی با عراق احساس حقارت کند ۵۰۰ و از همین رو می توان به این جنگنده ها در حالی که تلاش هایی برای برقراری صلح جریان دارد، به مثابه یک قوت قلب و امداد روحی نگریست."

● شماره ۱۲۰ و هفت نامه نیوزویک نیز خبر از نشانه هایی می دهد که دال بر گرایش تهران به بهبود روابط خود با واشنگتن است. به گفته این نشریه جمهوری اسلامی "سعی دارد به آمریکا بفهماند که حرکت در جهت فروش قطعات یدکی اف-۱۴ می تواند به بهبود مناسبات طرفین بینجامد."

● در همین حول و حوش، خبرگزاری ها و مطبوعات مختلف اطلاع می دهند که دولت بریتانیا قصد دارد تا پایان تابستان امسال و کشتی تدارکاتی جنگی به ایران تحویل دهد و سوئیس نیز تعدادی هواپیماهای سبک به ایران فروخته است که می توان با نصب موشک و توپ، آنها را به صورت جنگنده درآورد.

ما بودیم که مسافرت گنسر را به اسرائیل محکوم کردیم

مرتضی رضوی نماینده مجلس:

"این منطق وسیع و کشاد و پذیرای وزارت امور خارجه در مسایل خارجی اگر به خاطر صدور انقلاب است، با قلمداد ژنرال ارشاد به عنوان نماینده ایران در قلان کنفرانس نمی شود، ژنرال ارشادی که خود را به زور سلحه بر مردم مسلمان پنگلادش مسلط کرده است ۵۰۰ و یا ما بودیم که مدتی پیش مسافرت "گنسر" را با اسرائیل محکوم کردیم، حالا دیگر نمی توانیم محکومش کنیم ۵۰۰ من نمی گویم کلا منروی شویم، اما حقیقت این است که با این گستردگی نمی توانیم، اصل انقلاب را به باد می دهید."

(اطلاعات - ۲۳ مرداد)

پاره ای از اقدامات وزارت نفت

رشیدیان نماینده مجلس:

"۹۰۰ میلیون دلار در رابطه با قرارداد های تصفیه نفت خام در طی یک سال و

صمد جاودانه است

"مرگ خیلی آسان می تواند الان به سراغ من بیاید، اما من نمی توانم زندگی کنم، نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر يك وقتی ناچار بامرگ روبرو شدم - که می شوم - مهم نیست. مهم این است که زندگی یامرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد. . . ."

"ماهی سیاه کوچولو - بهرنگ"



راههایی به دوام این روز تاريك و این روستا ساخته دست آدمهاست. می کند. بچه ها را باید از "عوامل امید و آرکنده" دست بیناد ناامید کرد. "بهرنگ" خوب و دوست داشتنی

به طرف شیشه بزرگ مغازه. شیشه صدایی کرد و خرد شد. صدای شیشه انگار بارسنگینی را از روی دلم برداشت و آن وقت د و پاداشتم د و پای دیگر قرض کردم و حال د رنروکی در بروا "بهرنگ" در رقه هایش د رویه زندگی رامی نمایاند، همچنانکه د وستی در برابر رفیق و همراه رواست، دشمنی و کینه در برابر دشمن و نا همراه ضرورت دارد و "بهرنگ" تنها کسی است که در دستور اخلاق برای کودکان امروز بر آن انگشت می گذارد، سیلی را با سیلی پاسخ می دهد. چنین است که بچه ها از اقامت حرمان و رنج آمدن پس از خواندن قصه های او احساس می کنند که وجود دارند، حرف می زنند، کسی هست که بر هستی شان درنگ نکرده باشد. می توانند حق خویش را بستانند. چنین است که از زبان "الدوز" می شنویم:

"د و مش اینک قصه مرا برای بچه هایی بنویسد که یا فقیر باشند یا خیلی نازپرورده نباشند. پس، این بچه ها حق ندارند که قصه های مرا بخوانند:

۱ - بچه هایی که همراه نوکر مد رسه می آیند.

۲ - بچه هایی که با ماشین سواری گران قیمت به مدرسه می آیند.

"بهرنگ"، نویسنده معروفان جا معه، وزنده ترین چهره ادبیات مردمی ایران، با برگزشت هر سال ارچش اشکار تر است و درین که "بهرنگ" را سخن بسیار است و قلم در اینجا نتواند گفت."

۴۰ سال پس از شهادت رهبر کبزرگ کمونیست آلمان، یکی از قاتلین وی بنام ولفگانگ اتو "افسر سابق اس اس در آزادی کامل در آلمان" فال زندگی می کند. شکایت متعدد بازماندگان ار نست تلمان از سوی دادگاه های آلمان فدرال رد شده است. بدین ترتیب "اتو" که بنابه گفته شهو دعینی جزگروه مامور اعدا م تلمان بوده است، بعنوان معام باز نشسته در شهر "گلدن" آلمان فدرال به زندگی آرام خود ادامه می دهد. نظام حکم بر آلمان فدرال با پناه دادن به جنایتکاران نازی نشان داده است که بیشتر خود را وارث هیتلر می داند تا وارث قربانیان فاشیسم.

پربارترین لحظات جوانی اش را برپای روستا زادگان آذربایجانی ریخت، با شادیشان لبخند زد و با اند و هشان گریه و داین میان واقعیت های گزنده و تلخ را برای بچه ها کشف کرد و به تصویر کشید تا بچه ها راه شکست و اقمیت موب و دراکه ساخته و پرداخته دستهای آشناست برای را برد به حقیقت بگویند. او مبلغ صلح و صفا به شیوه دیل کارنگی "نبود، به بچه ها آیین" د و ست یابی "نداد، به بچه ها نیروی"، حقیقت جویی" بخشید تا بچه ها با مد در گرفتن از کین و نفرت خود د قلب "دیل کارنگی" ها را با دشنه د و لب خود بدرنند. "بهرنگ" در برابر اخلاق منحطی ایستاد که در پند است تا بچه های با آورد ترسو، حرف شنو، تحقیر شده و دلی رضایه "داده ها" ادبیات کودکانه نباید فقط مبلغ محبت و نعد وستی و قناعت و تواضع از نوع اخلاق مسیحت باشد باید به بچه ها گفت که به هر آنچه و شرکه فد بشی و غیر انسانی و سد راه تکامل تاریخی است، کینه ورز و کینه باید در ادبیات کودک دکان راه باز کند. در رقه "۲۴ ساعت در خواب و بیداری"، "لطیف" اینگونه در برابر تحقیر قد برمی افرازد "مرد با زن را با اشاره دست راند و گفت: "گسم شو برو" عجب رویی دارد! من جنب نخوردم و گفتم: من گدا نیستم.

مرد گفت: ببخشید آقا پسر، پس چکار باید؟ من گفتم: کاره بی نیستم. دارم تماشا می کنم.

راه افتادم. مرد داخل مغازه شد. تکه کاشی سفیدی ته آب جو برق می زد. دیگر معطل نکردم. تکه کاشی را برداشتم و با تمام قوت بازویم پراندم.

مسخرمی گرفتند و پیروزی اش را غیرممکن می شمردند، برای نخستین بار به حکومت رسید. . . .

پیوند تنگاتنگ انترناسیونالیسم با مبارزه در راه حقوق حقه ملی و احترام به سبب دموکراتیک در تاریخ آلمان، در برنامه حزب کمونیست آلمان تیلور خویش را یافتند.

بسیاری از آنچه ار نست تلمان در رسا ره مناقشات طبقاتی، خطر فاشیسم و تهدید کلی بشریت به وسیله جنگ گفته و نوشته است، امروز نیز از تازگی برخوردار است. گرامی داشت یاد او به معنای درس گرفتن از نبردها و ست، در رسا که امروز نیز می توانند در خدمت ما قرار گیرند.

نهم شهریور ماه، یادآور شهادت هنرمند بزرگ خلقی صمد بهرنگی است. باید تا بنك "صمد"، نوشتای از رفیق شهید تسرو گلسرخی را، به همین مناسبت درج می کنیم.

"سالی دیگر از مرگ مردمی ترین چهره ادبیات معاصر، "صمد بهرنگی" برگزشت، اما این مرگ، مرگ نیست. زیرا که "مرد اش" نیز از "مرد مش" جدا نیست.

"صمد بهرنگی" با عشق به مردم و آتشی که از این عشق در سینه اش گرمی گرفت، چشم انداز محرومیت های جامعه را با درنگ بر تضاد هایی که خاستگاه این حرمان هاست، در آتشش تصویر کرد. "بهرنگ" این معلم محرومان از بچه ها آغاز کرد. بچه ها را از بچه ها، محروم باز گرفت و بد آنها بخشید. این بخشش را به بچه ها آموخت که باید راهی جست تا ایستاد بگریند. نمی توان مسیم و آران سوی صورت را نیز آماده خوردن سیلی کرد. او به بچه ها فهماند که هیچ بچه ای پولدار به دنیا نمی آید. پدر اگر بی نان به خانه باز می گردد، گناهی ندارد، این علتی دارد و اگر تن پوش ندهد او در مد رسه تحقیق برایش می خرد، علتی دیگر. "بهرنگ" می خواست بچه ها را بر داریستی که در خود بچه ها نهفته است آگاه گرداند، تا بچه ها با وقف بر این داروست، سرپا بایستند، از تحقیر نهرا سند زیرا که تا ادامه چنین باشد، تحقیر نیز هست، حالا چگونه باید ایستاد و بچه، چگونه واقعیت را می تواند درک و لمس کند، هدف "بهرنگ" بود. او می گوید:

"بچه باید بداند که پدرش با بچه مکافاتنی لقمه نانی به دست می آورد و برادر بزرگش چه مظلوم و اردست و پامی زند و خفه می شود. آن یکی بچه هم باید بداند که پدرش از چه

گرامی باد یاد ار نست تلمان، سبیل شجاعت و وفاداری به آرمان طبقه کارگر!

بقیه از صفحه ۱۰
"سرخ" ارگان حزب، در ۷ نوامبر ۱۹۲۵ نوشت: "برای نخستین بار، در ۷ نوامبر (۱۹۱۷) پرولتاریا نه تنها برای يك لحظه تاریخی، بلکه برای همیشه قدرت را به دست گرفت. ما باید بطور خستگی ناپذیر این درس را برای تمام طبقه کارگر تکرار کنیم. علت کینه افراطی همه سرمایه داران نسبت به اتحاد شوروی چیست؟ این نفرت از این نشات می گیرد که طبقه کارگر، که تحقیر می کردند، یکا ر طبقه اتی اش را بسبب



کمونیستهای را می شناختند. صدها هزار کمونیست در ماههای اول حکومت فاشیستها بازداشت شدند. تلان یکی از آنها بود.

همزمان با وج گیری همبستگی بین المللی با رهبرانی شده حزب کمونیست آلمان، فاشیستها شدیدترین شکنجه ها را در مورد او اعمال کردند. تلان را از این زندان به آن زندان و از سلولی به سلول دیگری بردند. کمیتترین سرای آزادی ارنست تلان، تحت رهبری گورکی دیتمیروف به فعالیتهای وسیعی دست زد. در اتحاد شوروی، مراسم مختلفی در حمایت از تلان برگزار شد.

تلان دو سال پس از دستگیری به همسر خود نوشت: "سرنوشت ممکن است سخت باشد حتی می تواند انسانی را که در مقابل آن مقاومت روحی نشان نمی دهد، خرد کند. می تواند عواقب بگری بار آورد. فرد را به تزلزل افکند، و ناامید سازد. اما من به پیروزی حقیقت ایمان دارم، و این ایمان مراد آزمایشهایی که در پیش روی خود دارم، پابرجا نگه می دارد. تحمل این بار سنگین تنهایی، هر قدر سخت باشد، من می خواهم در برابر آن تاب آورم و خواهم آورد، زیرا می دانم اراده تزلزل ناپذیر و ایمان مستحکم، کوه را تکان نمی دهد."

تلان به این گفته خود و قادرانند. وی ۱۱ سال در زندان فاشیستها بسر برد، و نام او بعنوان سمبل شجاعت، میهن پرستی، ایمان آهنین و وفاداری به آرمان طبقه کارگر در تاریخ ثبت شد.

انترناسیونالیسم پرولتری برای تلان بازتاب عینی وحدت منافع طبقات و مدل تبعیض ستم در سرمایه داری بود، نه در آن، پیوند با نخستین کشوری که سوسیالیسم در آن پیروز شد، پیوند با اتحاد شوروی، به حق جای ویژه ای داشت.

ارنست تلان طی مقالهای در "پرچم"

بقیه در صفحه ۹

به مناسبت چهلین سالگرد شهادت رهبر حزب کمونیست آلمان

گرامی باد یاد ارنست تلان، سمبل شجاعت و وفاداری به آرمان طبقه کارگر!

در شب هجدهم اوت ۱۹۴۴، ارنست تلان رهبر حزب کمونیست آلمان، در اردوگاه "بوخن والد" به دستور هیملر، رئیس درخیمان اس-اس، بطور کامل مخفیانه تیرباران شد. پس از پایان جنگ، در یادداشتی که هیملر پس از یک ملاقات با آدولف هیتلر نوشته بود، این عبارت جلب توجه کرد: "تلان باید اعدام شود." فاشیستها می کشیدند این قتل را پنهان نگاه دارند و شایعه ای پراکنند ساختند که گویا ارنست تلان در ۲۸ اوت ۱۹۴۴ در جریان یک حمله هوایی کشته شده است. اما پس از جنگ، با اظهارات شاهدان مینی و اسپین روزهای زندگی ارنست تلان، از ترک زندان "پاوتسن" تا بوخن والد، در صفحات تاریخ ثبت گردید.

بدون تردید پیوندی میان قتل ارنست تلان به دستور هیتلر و ترور نافر جام دیکتاتور در ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۴ وجود دارد. پیروزی ارتش شوروی در استالینگراد و گشایش جبهه دوم (در شمال فرانسه)، و نیز گسترش مقاومت در همه اقشار مردم آلمان، حتی در میان ژنرالها موقعیت نظامی و سیاسی ای را ایجاد کرده بود که در آن، سران فاشیسم به شدت احساس خطر می نمودند. آنها دستور دادند تا طی یک عملیات، دهها هزار نفر به ویژه کسانی که زمانی از فعالین احزاب کارگری به شمار می آمدند، و نیز نمایندگان سابق پارلمان بازداشت و به اردوگاههای مرگ انتقال داده شوند. بسیاری از دستگیرشدگان، تا سرحد مرگ شکنجه شده یا تیرباران گردیدند. ارنست تلان در میان اینان، معروفترین اسیر بود.

وی در ۱۶ آوریل ۱۸۸۶ در "آلبیک" محله کارگری شهر هامبورگ متولد شد و نخستین سالهای زندگی خود را گذراند. تلان پس از ترک مدرسه، تاحد توان خود به پدرش در کارهای مخازنای که داشت کمک کرد. اما زندگی خرد بورژوازی با روحیات او سازگار نبود، و از این رو در اسکله هامبورگ مشغول به کار شد و در تماس با جنبش کارگری قرار گرفت. وی بعد ها درباره این دوران نوشت:

"در آنجا من نخستین آموزشهای عینی از نظام سرمایه داری و شیوه های عمل آن را فرا گرفتم."

تلان در سال ۱۹۰۳ به عضویت حزب سوسیال دمکرات و اتحادیه کارگری درآمد. هنگامی که جنگ جهانی اول در گرفت، ارنست تلان نیز به جبهه فرستاده شد و با یک جراحت،

به میهن بازگشت. آدم کسی در جبهه های جنگ، در وی تاثیری از بین نرفتنی گذارده بود. او می دید که مسئولیت هزاران مقتول و معلول جنگ، به گردن امپریالیسم آلمان است، که به تدارک ماجراجویی های جدید را از همان فردای شکست، آغاز کرده بود. برای تلان و یارانش در "حزب سوسیال دمکرات مستقل" (جناح چپ حزب سوسیال دمکرات که از حزب انشعاب کرده بود) آشکار بود که کناره گیری امپراتور تاسیس "جمهوری وایمار" پس از شکست انقلاب نوامبر ۱۹۱۸، به هواداران بازسازی امپریالیسم آلمان امکان می داد قدرت اقتصادی و سیاسی خود را همچنان پابرجا نگه دارند.

تلان می دانست که در مبارزات طبقاتی آتی، وحدت بخش انقلابی جنبش کارگری ضروری بود. از این رو، وی مبارزه برای وحدت "حزب سوسیال دمکرات مستقل" و "حزب کمونیست آلمان" که از "اتحاد اسپارتاکوس" بوجود آمده بود، را آغاز کرد. مقالات و سخنرانیهای تلان در آن زمان، نه تنها نشانگر آرزوی قلبی او، وحدت طبقه کارگر، که همچنین جلوه شناخت علمی و از مارکسیسم الهام گرفته او است، شناختی که به او می گفت نیل به سوسیالیسم از راه دیگری ممکن نیست.

ارنست تلان همواره تلاش برای دستیابی به اتحاد عمل را با تدوین مطالبات روزمره منطبق با منافع اجتماعی زحمتکشان تلفیق می کرد. این مطالبات، در چارچوب سمع گیری دراز مدت حزب، یعنی جایگزینی بیحدالته سرمایه داری با سوسیالیسم، جای معینی داشت. با اجرای این سیاست حزب به یک حزب توده ای تبدیل شد که در سال ۱۹۳۲ حدود ۶ میلیون رای داشت. سی ام ژانویه ۱۹۳۳، هیندنبورگ رئیس جمهور آلمان آدولف هیتلر را به سمت صدارت عظمی منصوب کرد. ارتجاعی ترسین شوونیستی ترین و هارترین محافظ سرمایه داری انحصاری آلمان، دیکتاتوری تروستی خود را برپا کرد. تنها سه روز بعد، در دوم فوریه، پلیس سیاسی برلن مقرکمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان را مورد حمله قرار داد. رهبران و فعالین حزب به زندگی مخفی روی آوردند. اما گذار به فعالیت مخفی برای حزب کمونیست آلمان کارسبب ساز دشواری بود. حزب ۳۶۰ هزار عضو و میلیونها هوادار داشت. کادریهای رهبری حزب، در حضور صدها هزار نفر سخنرانی کرده بودند. عکسهای آنها به مناسبت انتخابات در سراسر کشور پخش شده بود. در کارخانه ها و محلات،

رویدادهای جهان



رفیق اریش هونکر: سوسیالیسم و سرمایه داری همچون آب و آتشند

رفیق اریش هونکر دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و صد رشواری دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان، طبعی مصالحه‌ای با سردبیران و مسئولین د روزنامه عمدتاً خبرگزاری این کشور، خاطرنشان ساخت که ثبات و کامل و تحرك از خصوصیات بارز پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان است. وی ضمن تشریح اوضاع جهان به اهمیت فراوان مبارزه در راه صلح اشاره کرد، و این مبارزه را مهمترین مساله عصر حاضر نامید. اریش هونکر گفت محافل تجار و کارایالات متحده آمریکا قصد دارند با لفاظی‌هایی درباره صلح، نقشه‌های واقعی خود را پنهان و سیاست رویارویی و لشکرکشی صلیبی علیه سوسیالیسم را همچنان ادامه دهند. رهبر آلمان دموکراتیک افزود نیروهای افراطی راستگرا در آلمان فدرال سرسختانه منادی شعارهای مبتذل تلافی جویانه بوده و شك و تردید در مورد نتایج جنگ جهانی دوم ایجاد می‌کنند. پیدایش جمهوری دموکراتیک آلمان در ۳۵ سال پیش، پیشرفت و موفقیت آمیز آن بعنوان يك دولت سوسیالیستی کارگران و دهقانان و جز لاینگ جامعه دول سوسیالیستی و اتحاد استواران با اتحاد شوروی، ضربه‌ای تاریخی به تلافی جویان است. سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان شکست ناپذیر بوده و آشتی سوسیالیسم و سرمایه داری که همچون آب و آتش اند، امکان پذیر نیست.

جشنواره ورزشی صلح و دوستی در مسکو

مسابقات ورزشی "دوستی" که روز ۱۸ اوت در مسکو گشایش یافت و تا ۲۶ اوت ادامه خواهد داشت، عرصه نمایش توانایی‌های بهترین ورزشکاران جهان، و جشنواره صلح و دوستی ملل است. واژه‌های "صلح" و "دوستی" شعار این بازیهاست. در این مسابقات، قهرمانان ۴۰ کشور شرکت کرده‌اند. بازیها در رشته‌های دو و میدانی مردان، دوچرخه سواری، شنا، تیراندازی، قایقرانی، هاکی مردان و بسکتبال برگزار می‌شود. حد نصاب اکثر قهرمانان حایز مقام اول رشته‌های مختلف در بازیهای مسکو از رکورد های مشابه المپیک لس آنجلس بهتر است. از جمله، سه نفر اول در پرتاب گلوله، همگی پیش از نفر اول این رشته در لس آنجلس پدید آمدند. در پرتاب دیسک، یوری سدیچ قهرمان شوروی با فاصله زیادی حد نصاب برنده بازیهای لس آنجلس را پشت سر گذاشت.

آلبرتو خوانتورنا، قهرمان دو و یکو بایی، که سالها مقام اول را در رشته‌های مختلف در کسب کرده است، در مسکو برای آخرین بار به میدان آمد و به اتفاق رقیب لهستانی خود به مقام اول در دو و یکو ۸۰۰ متر دست یافت. وی گفت: "من برای پایان دوران ورزش خود که نقطه اوج آن مقام اول در دو و یکو ۴۰۰ و ۸۰۰ متر المپیک مونترال بود، بهتراز مسکو هیچ جای دیگری تصور نمی‌کردم. در اینجا بود که من در مسابقات جهانی ۱۹۷۳ به نخستین پیروزی خود در عرصه بین المللی دست یافتم."

پراودا: "شوخی" جنون آمیز ریگان نشان داد که باید هوشیار بود

روزنامه شوروی پراودا "شوخی" جنون آمیز ریگان را یک مفسه جویی نامید. مفسر پراودا می‌نویسد اظهارات رییس جمهور آمریکا باردیگر نشان داد که ضرورت است با د نظر گرفتن نقشه‌های تجار و کاران آمریکا و ناتوانی‌ترین حد ممکن از هشیاری، حفظ گردد. در تفسیر پراودا آمده است: "تردید نیست که سخنان ریگان در سراسر جهان بحث‌های نشانه‌ای ارزیابی شده حکمی است لفاظی عوامفریبانه او درباره به اصطلاح هواداری وی از نژادی سازی روابط با اتحاد شوروی، و خلع سلاح، تنها پوششی است برای استراتژی سیاسی ریگان که هنگام ورود به کاخ سفید اعلام نمود."

به نوشته پراودا کوششهای شش ماهه اخیر ریگان در وارونه جلوه دادن حقایق و انمود ساختن به آینده اتحاد شوروی، و نه آمریکا مانع قطع مسابقه تسلیحاتی و گسترش همکاری مسالمت آمیز اقتصادی در عرصه بین المللی است، تنهایی توان آنها را فریب دهد که مایلند فریب بخورند.

پراودا به آمریکا اخطار می‌کند که نگذارد وقایع از کنترل خارج شود، زیرا "اتحاد شوروی و متحدین آن همه وسایل ضروری برای تأمین امنیت خود و نابودی هرگونه تجاوز را اختیار دارند. پاسخی که آمریکا پس از استقرار و شکهای هسته‌ای ضربه اول خود در اروپای غربی دریافت داشت، به نفع آنکه ای نشان می‌دهد هیچکس و هرگز موفق نخواهد شد



سخنرانی تهرینی

مللی را که آزادی خود را به بهای گرانی به دست آورده اند و مصممند از خود و صلح دفاع کنند، بهزاد را آورد.

رفیق ببرک کارمل: با وجود جنگ اعلام نشده، تحولات اجتماعی ادامه دارد

رفیق ببرک کارمل دبیرکل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب این کشور، روز پنجشنبه ۲۵ مرداد در مراسم بزرگداشت ۶۵ مین سالگرد اعلام استقلال افغانستان، گفت کشور وی صادقانه در راه حل و فصل مسالمت آمیز مساله افغانستان می‌کوشد. رفیق کارمل افزود اوضاع متشنج کنونی در منطقه، پیش از هر چیز بر اثر سیاست تجار و کاران امپریالیسم ایجاد شده است. وی اظهار داشت علیرغم جنگ اعلان نشده محافل امپریالیستی علیه افغانستان، تحولات بنیادی اجتماعی به سود زحمتکشان در کشور ادامه دارد. به گفته رهبر افغانستان، هدف اصلی استراتژی اقتصادی حزب، افزایش سطح زندگی مادی و فرهنگی خلق است. دبیرکل حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سخنان خود تأکید کرد اتحاد شوروی عامل مهمی در حفظ استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان بوده و خواهد بود.

طبق گزارش‌های رادیویی تایید شده، حکومت پاکستان از نایب‌الذخایر افغانستان مستقر در نوای مرزی پاکستان - افغانستان خواسته است تا اول اکتبر خاک پاکستان را ترک کنند.

توضیح و پوزش

متأسفانه در "اکثريت" شماره ۲۰ و مورد جا افتادگی پیش آمده است:

۱- تیتیر مقاله مربوط به مین گذاری در دریای سرخ چنین است: "اشغال خزنده دریای سرخ، تکرار سناریوی آمریکایی تشنج آفرینی در خلیج فارس" که قسمت "تشنج آفرینی در خلیج فارس" آن جا افتاده بود.

۲- در مقاله "تعاونی‌های مردمی، زیر ضربات رژیم" صفحه ۵ ستون اول، بعد از سطر هفتم زیر جدول این پاراگراف باید گنجانده شود: "۲- نگاهی به حد متوسط سرمایه هر واحد به خوبی روشن می‌سازد که تعاونی‌ها از بنیه مالی لازم و نیروی بر خوردار نیستند و روشن است که این شرکتها قادر به رقابت با تجار و سرمایه‌داران بزرگ و انحصارات آنها نخواهند بود رژیم خائن با عدم حمایت از تعاونی‌های مردمی خود را در مقابل منافع توده‌های میلیونی قرار داده است. آن "بیماری" ای که تعاونی‌های محلی اهواز را از پا در آورده، کل جنبش تعاونی کشور را در بر گرفته است."

از دهان روستائیان می‌پردازند. در روز سیزدهم تیر ماه اعضای واحد های بسیج، دستجات انجمن های اسلامی و چاقو داران گرد آورده شده بقصد تخریب کوی نور حرکتی کنند. پیش از این چندین کامیون حامل سرباز و واحد های از گشت ثارالله و نیروهای از بسیج در هشتگرد مستقر شدند تا مقاومت احتمالی مردم علی الهی را در هم بشکنند. با وجود این در برابر مهاجمین مقاومت صورت میگیرد. مهاجمین که توسط افسراد مسلح بسیج پشتیبانی میشوند، اقدام به تیراندازی میکنند که در نتیجه آن تعدادی کشته و مجروح میشوند. مجروحین به بیمارستان های هشتگرد و کرج منتقل میشوند. ولی به اورژانس کرج دستور داده شده که از پذیرش مجروحین علی الهی خودداری نمایند. بخشی از مزارع گندم اهالی توسط آوایش به آتش کشیده شده این واقعه به نتیجه ای خلاف انتظار حکومت انجامید. مردم منطقه در سطح قابل توجهی نسبت به این اقدام آشوبگرانه ایادی حکومتی ابراز انزجار کردند. بدنبال آن مسئولین منطقه کوشیدند نقش و سهم خود را در این جریان انکار نمایند. تحت فشار مردم نیروهای سپاه و بسیج از هشتگرد خارج شده و فقط واحد های ژاندارمری باقی مانده اند.

کتاب های مالی رسیده

رفقای فدایی در تگزاس و ارکانزاس ۱۳۳۶ دلار
رفیق هوادار حزب توده ایران ۵۰ دلار
از لس آنجلس

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای ما در شهر اسن (آلمان فدرال)

تأمین کردند

AKSARIYAT

NO. 21

FRIDAY, 24 AUGUST 84

Address

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آدرس
آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هندوستان

اطراف شهر تهران روی اراضی موات می سازند، هرچه بیشتر با مقاومت روبروی شوند. در نزدیکی جاده کرج در پیرامون قلعه حسن خان، عده ای از زحمتکشان بر روی اراضی بیابانی، اقدام به خانه سازی کرده و در آن ساکن شدند. ولی هزارچندگاه نیروهای کمیت به آنها هجوم آورده و آن خانه ها را تخریب می کردند. مردم نیز هریارس از مرمت خرابی ها و باره در همان منازل ساکن می شدند. در تاریخ بیست و دوم تیرماه، اهالی مطلع می شوند که کمیت قصد دارد شبانه یار دیگر حمله کند. این بار مردم پس از گرد همایی و تبادل نظر تصمیم به مقاومت می گیرند. مردم می گفتند که تحمل آزار و جبران خسارات وارده دیگر ممکن نیست. نفرت کمیت که همان شب حمله کرده بودند در برابر مقاومت یکپارچه مردم غافلگیری شوند. درگیری به پیروزی مردم و عقب نشینی پاسداران کمیت می انجامد. با اینکه واحد های اعزامی از کمیت کوشیدند همراه با واحد های ژاندارم هجوم دیگری را آغاز کنند، اما نتیجه ای نگرفتند. اهالی قلعه حسن خان مصمم هستند در برابر تهاجمات بعدی نیز پایداری نمایند.

تفرقه بینداز و حکومت کن!

کمیت بر تفاوتهای مذهبی و عقیدتی با اهداف مردم فریبنا، از مشخصه های پایدار رهبران جمهوری اسلامی بوده است. مبلغین سياهکار حکومت میکوشند با تحريك و فریب بخشش های از مردم، آنان را به دشمنی با دگراندیشان، پیروان اقلیت های مذهبی و حتی فرقه های کوچکتر اسلامی بکشانند. تبعیض علیه هم میهنان سنی، مذاهب، انکار حقوق مسیحیان ارمنی و آشوری، سرکوب بهائیان، فشار بر کلیهها و زرتشتی ها و... آشکارا ادامه دارد. علنا به معتقدات و مقدسات آنان توهین می کنند. تبعیضات و تفرقه افکنی های مذهبی حکومت تا کنون فجایع بسیاری ببار آورده است. یکی از آخرین نمونه های آن دو ماه گذشته در هشتگرد کرج اتفاق افتاد که بقیعت جان تنی چند از هموطنان ما تمام شده است.

در هشتگرد تعداد زیادی از پیروان فرقه علی الهی زندگی میکنند. یکی از امکانه مقدسه آنان بنام کوی نور، در این محل واقع است. ایادی و افراد حکومتی تصمیم داشتند در روز "روز قدس سال جاری" (جمعه آخر ماه رمضان) با سوء استفاده از مراسم مربوط به این روز، مردم را بکوی نور کشانند و آنجا را ویران سازند. اما با مقاومت مردم علی الهی و مخالفت دیگران این کار صورت نمی گیرد. ولی تحریکات همچنان ادامه می یابد. فحاشی علنی یک مبلغ حکومتی علیه مقدسات این فرقه به واکنش خشمناکین آنان منجر میشود و در پی آن آشوبگران وابسته به حکومت در روستاهای اطراف به مغشوش کردن



خطر وزیر!

یکسالی میشد که آثر خطر کارخانه بنزخا و بصدا در نیامده بود. از اینرو وقتی که اخیرا بطور ناگهانی آثر بصدا در می آید در کارخانه ولوله ای میشود. همه میخواستند بدانند چه رخ داده است. طولی نیکشد که با خبر میشوند آثر خطر برای اعلام ورود وزیر صنایع سنگین، آقای بهزاد نبوی بود. وزیر قصد سخنرانی داشت لذا هم کارگران و کارمندان را در سالن جمع کردند و نبوی شروع به سخنرانی کرد.

او در آغاز گفت میدانم در این کارخانه هم کلاغ سیاه زیاد است و خبرها را به همه جاسا خواهند برد. او سپس به پرگوئی پرداخت که خلاصه آن چنین است:

"شما کارگران گردن کلفت هستید، پس باید بیشتر تولید کنید. کیفیت کامیون هایی که تولید میکنید به صفر رسیده است. به خیابان نرسیده دافان میشود. با این کیفیت بهتر است از تولید نکنیم. در این شرایط واردات کامیون از ژاپن و آلمان غربی برای ما بصرفه است. پس چه کاری است که با این کیفیت کامیون تولید کنیم. هر تیوتای ژاپنی که وارد میکنیم برایمان کلسی استفا ده دارد. من میدانم که شما هم مشکلاتی دارید. اما اینها هیچ ربطی به تولید ندارد. باید بدانید ما در حال جنگ هستیم و اینجا جبهه شماست باید تولید کنید. با این وضعیت تولید و کیفیت محصول من در این کارخانه را می بندم." آقای وزیر در پایان اولتیماتوم داد که چند هفته دیگر بر میگردد و اگر کیفیت تولید خوب نشود در کارخانه را خواهند بست. آقای نبوی در ضمن سخنانش اشاره داشت که خسرو شاهی سرمایه دار فراری در صد پس گرفتن تولید را می باشد. حال که کارگران با این کیفیت تولید میکنند بهتر است آنها بایند. آقای نبوی برای باز دید وضعیت تولید به کارخانه سایپا (ژیان) میرود. در حین که او از قسمتهای مختلف بازدید میکرد، کارگری پیش آمده و به او میگوید با چند سرناله با گرانی و اجاره مسکن سرسام آور حقوق ما خیلی ناچیز است. وزیر صاف و پوست کنده جواب میدهد: "همینه که هست" و به بازدید ادامه میدهد.

مقاومت مردم قلعه حسن خان

درگیری مردم در حاشیه شهر تهران و نقاط اطراف با مامورین شهرداری و نیروهای کمیت مدوما ادامه دارد. گماشتگان ناطق نسوری برای تخریب منازل کوچکی که زحمتکشان در

مروگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا